

## معنا شناسی واژه «طیب» در قرآن کریم با محوریت شجره طیبه<sup>۱</sup>

فرهاد ادیسی<sup>۲</sup>، احمد سلامت<sup>۳</sup>

### چکیده

واژه ی طیب از مفاهیم ارزشمندی است که در قرآن کریم به کرات ذکر شده است. مفهوم این واژه به دلیل نزدیکی آن با فطرت انسانی نیازمند بررسی بیشتری می باشد. این واژه با مشتقات آن ۴۶ مرتبه در ۲۰ سوره قرآن ذکر شده است. با این حال، کلمه «طیب» تنها در ۶ آیه مورد توجه قرار گرفته است.

کاربرد وسیع این واژه و همنشینی و ترکیب اضافی و وصفی آن با دیگر مفاهیم قرآنی نشان از جایگاه خاص این کلمه دارد و ضرورت بررسی مفهوم آن را بیشتر آشکار می سازد. ما در این نوشتار می کوشیم با روش توصیفی مفهوم لغوی و اصطلاحی آن را از منظر آیات و روایات مورد بحث و بررسی قرار می دهیم. در این مقاله برآن هستیم تا با تأمل در ابعاد مختلف واژه طیب و شناخت حوزه های معناشناسی آن و استناد به آیات قرآن کریم نسبت به استخراج آیاتی که واژه ی طیب در آن به کار رفته است، به تبیین مفهوم وحیانی موضوع شجره طیبه بپردازیم. سرانجام با بررسی آیات و روایات مربوط به واژه ی شجره ی طیبه عبارات متقابل آن همچون شجره خبیثه را نیز مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

**کلید واژه ها:** قرآن کریم، معناشناسی، طیب و شجره طیبه.

---

۱. تاریخ دریافت ۹۸/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش ۹۹/۱۱/۲۱

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

۳. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

### ۱- مقدمه و طرح سؤال:

در این مقاله سعی نگارندگان بر آن است که معانی و مفهوم قرآنی شجره طیبه مورد بحث، بررسی و تحلیل قرار گیرد. در این راستا خواهیم کوشید تا به این پرسش پاسخ داده شود که مفهوم طیب از منظر قرآن کریم چه مفهومی یا مفاهیمی را دارد؟ و همچنین مفهوم شجره ی طیبه در قآن کریم در چه جایگاهی قرار دارد؟ برای نیل به این اهداف و پاسخ به این پرسش ها با استفاده از روش توصیفی با مطالعه ی کتابخانه ای و تحلیل محتوا ضمن بررسی و تحلیل علمی به سیر مفاهیم و تعبیر طیب و شجره طیبه در قرآن و احادیث نیز خواهیم پرداخت.

### ۲- بیان مسئله:

یکی از موضوعات مهم و اساسی در خصوص زندگانی آدمی در این دنیا بحث میراث و ماترک می باشد و آنچه از انسان پس از مرگ به جای می ماند. در همین راستا از آنجا که هر انسانی پایه گذار یک نسل دیگر پس از خودش می باشد و همین تولدها و توارث ها سبب تشکیل نوع بشر و ادامه دار شدن نسل انسان می باشد؛ فلذا بنیان گذاری یک نسل سالم و موحد و مومن که به تعبیر قرآن شجره طیبه می باشد بسیار پراهمیت و دارای جایگاه ویژه ای بوده و در قرآن کریم این واژه جزء والاترین ارزشها می باشد، بنابراین، رسیدن به یک تعریف جامع و تحلیل مفهوم قرآنی واژه شجره طیبه هدف این پژوهش می باشد. روشن است که کشف این معنا در گرو مطالعه دقیق آیات و سوره های قرآن کریم مخصوصاً آیاتی است که تعبیر شجره طیبه و واژه های هم معنی و مترادف با آن آمده است، از اهمیت دوچندانی برخوردار می باشد. در این صورت است که چارچوب معنایی دقیق این واژه در هر آیه به دست می آید.

### ۳- حوزه های معنایی مفهوم طیب در قرآن کریم

واژه «طیب» در نظام معنایی قرآن با مفاهیمی همچون حلال ، طاهر و طوبی مترادف بوده و با عباراتی همچون حیات ، ذریه ، شجره ، ریح ، بلد و ... به صورت

وصفی یا اضافی به کار رفته است که در این مقاله به بررسی این مفاهیم و مخصوصاً عبارت «شجره ی طیّبه» و «ذریه طیّبه» می پردازیم .

۱/۳- فرایند کشف مؤلفه های معنایی: معنای اصلی واژه طیّب که عموماً به مفهوم پاک و پاکیزه می باشد در قرآن با برخی از مفاهیم دینی و اخلاقی همچون حلال و طاهر و طوبی ارتباط عمیقی دارد . در حقیقت مفاهیم ذکر شده مترادف واژه طیّب می باشد که ارتباط برخی از این مفاهیم از جمله حلال با واژ ی طیب بسیار عمیق تر می باشد.

۲/۳- معنای لغوی طیّب: کلمه ی (ط. ی. ب) ، طیّب به معنی پاک و پاکیزه، نیکو، حلال، روا، تمیز، مهذب و منقح می باشد. طیّب در لغت نامه دهخدا به معنی پاک و پاکیزه و طاهر ذکر شده است و در قالب صفت یعنی پاک، پاکیزه، نیکو، حلال و روا در فرهنگ فارسی عمید از آن نام برده شده است. (فراهیدی البصری) طیّب و طاهر به معنای حلال و پاکیزه استعمال شده است. (مجاز شرعی)

در مفردات راغب در تعریف طیّب آمده است: «اصل الطیب ما تشتلذّه الحواسّ و ما تستلذّه النفس.» (اغب اصفهانی، ذیل واژه راغب)  
تعاریف دیگر هم برای طیّب بیان شده است از قبیل: بوی خوش (منتهی الارب) (مهذب الاسماء) خوشبوی، عطر، بوی.

طیّب در جایگاه اسم به معنی بوی خوش و آنچه بوی خوشی داشته باشد ، مانند مشک و عنبر و بهترین هر چیز نیز آمده است.

۳/۳- معانی مصطلح طیّب: تعبیر قرآنی: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ» (نساء/۳) و فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ (نساء/۴) به شخص طیب و پاک اشاره شده است. اصل طیّب چیزی است که برای حواس لذت آور است و نفس و جان آدمی از آن لذت می برد. طیّب در فرهنگ ابجدی به معنی خوب و نیکو ، طیّبه : گوارا و شیرین و خوب است و در قاموس قرآن به معنای دلچسبی و طبع پسندی ذکر شده است.

همچنین در تعریف طیّب آمده است: «طیّب من کل شیء افضله ، و کل ما تستلذّه الحواسّ او النفس و کل ما خلا من الاذی و الخبث.» (طباطبایی به نقل از کتاب الفصاح فی فقه اللغه ۱ / ۳۷۵) و نیز در یک تعریف دیگر می خوانیم (طیّب): اصل واحد صحیح

يدَلُّ عَلَىٰ خِلاَفِ الْخَبِيثِ، مِنْ ذَلِكَ الطَّيِّبِ ضِدَّ الْخَبِيثِ. (ر.ک. معین، ۱۳۹۷: کتاب التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۸۱/۷)

#### ۴- مفهوم شناسی طیب در فرهنگ واژگان قرآنی

واژه طیب در قرآن کریم به کرات آمده است. چنانکه خداوند می فرماید: «وَهُدُّوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ» (حج/۲۴) (و ایشان را به گفتار پاک هدایت نمایید)، همچنین در جای دیر فرمود: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ» (فاطر/۱۰)

طیب در قرآن هم وصف انسان آمده است مثل: لِيَمَيِّرَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ (انفال/۳۷) و هم وصف غیر انسان مانند: فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا (مائده/۶)

طیب از انسان آن است که از جهل و قبائح اعمال، پاک و با ایمان و عمل صالح متجلی باشد. این چنین آدم مورد پسند خدا و دلبخواه خداست: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (نحل/۳۲). و طیب از غیر انسان آن است که در اثر عدم نقص و مفید بودن و پاکی از آلودگی ها دلچسب و مورد پسند باشد و تا حدی خالی از نقائص بوده باشد. در اینجا لازم است به چند آیه نظر افکنیم «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره/۱۶۸)

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که جواز خوردن دو شرط دارد یکی حلال بودن که حق دیگران در آن نباشد و دیگری دلچسب و طبع پسند بودن که مورد نفرت نباشد. به طور خلاصه اینکه مطلق آنچه دلچسب است و دیگران را در آن حقی نیست، خوردن آن جایز است. (ر.ک. قمی: ۱۳۶۳)

#### ۵- واژگان هم معنی و مترادف طیب

در بیان ارتباط دو معنای طیب و حلال برخی گفته اند که اصل معنای طیب «پاک» است که به دلیل نزدیکی آن با مفهوم حلال این دو واژه را مترادف هم دانسته اند، بر این اساس می توان گفت که یک عموم و خصوص مطلق بین این دو واژه وجود دارد به طوری که هر طیب حلال است اما ممکن است هر حلالی طیب نباشد، مانند خاک که طیب است اما نه به این معنی که خوردن آن نیز حلال باشد.

در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم در بیان فرق بین طهاره و طیب می- نویسد: فرق بین الطهاره و الطیب: والفرق بینهما: أن الطهاره یلاحظ فیها جهه التزیه و ابعاد القذاره، و لایلاحظ فیها لونها مطلوبه، والطیب: ینظر فیها الی لونه مطلوباً، و الی صفاء الشیء و تمامیه فی نفسه. (ر.ک. معین، ۱۳۹۷)

### ۶- واژگان متقابل و متضاد طیب

کلماتی همچون پلید، ناپاک، نجس، حرام و ناروا واژه های متضاد با طیب می باشد. در قرآن کریم هم در آیات متعددی از واژه های متقابل طیب و مترادف های آن از جمله کلمه حلال استفاده شده است. از جمله می توان به آیات زیر اشاره نمود.

- ۱- وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ (النحل / ۱۱۶)
- ۲- وَحَرَامٌ عَلَى قَرَبِیْهِ أَهْلَکِنَاهَا أَنَّهُمْ لَا یَرْجِعُونَ (انبیاء/ ۹۵)
- ۳- حُرِّمَتْ عَلَیْکُمُ الْمِیْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِیرِ وَمَا أَهْلٌ لِّغَیْرِ اللَّهِ بِهِ (المائده/ ۳)
- ۴- فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ (النساء/ ۱۶۰)
- ۵- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ (التحریم/ ۱)
- ۶- قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا (یونس/ ۵۹)

### ۷- کاربردهای طیب در آیات قرآن کریم

کلمه طیب در قرآن کریم در بیان های مختلفی آمده است و نوعاً برای بیان پاک و پاکیزه و حلال و روا بودن نعمت های بی شمار خداوند ذکر شده است. اینک به پاره ای از آنها اشاره می شود.

- ۱- فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ (نساء/ ۳)
- ۲- فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ (نساء/ ۴)
- ۳- كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (بقره/ ۵۷)
- ۴- وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا (مائده/ ۸۸)
- ۵- وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ (اعراف/ ۳۲)
- ۶- الْيَوْمَ أَجِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ (مائده/ ۵)

## ۸- طیب در نگاه مفسران

قرشی در کتاب قاموس قرآن در ذیل آیه: «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور/۲۶) به نگاه مفسران اشاره کرده می نویسد: به نظر زمخشری، ابن عباس، ضحاک، مجاهد و حسن، مراد از خبیثات کلمه پلید و از خبیثون مردمان پلید و از طیبات سخنان پاک و از طیبون مردمان پاک اند. [ر.ک تفسیر قمی]

## ۹- انواع طیبات

طیب به قابلیت از یک شیء که مورد استفاده انسان قرار می گیرد اطلاق می شود بنابراین، حقیقت طیب به عملکرد و استفاده انسان مربوط است، در نتیجه انواع عملکرد و یا استفاده های یک انسان حکم انواع طیبات را پیدا می کند عملکردهای انسان می تواند ذهنی، نفسی، همچنین عملی باشد که آن نیز می تواند صورت فردی یا اجتماعی داشته باشد. بر این اساس، انواع طیبات را نیز می توان در قالب چهار محور کلی زیر دسته بندی نمود:

۱- طیبات ذهنی

۲- طیبات نفسی

۳- طیبات عملی فردی

۴- طیبات عملی اجتماعی [۴]

## ۱۰- هم نشینی های ترکیبی واژه ی «طیب» در قرآن کریم

۱/۱۰- شجره ی طیبه: یکی از ترکیبات قرآن «شجره ی طیبه» است: أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (ابراهیم/۲۴)

در کتاب الاحتجاج طبرسی (ره) از امیرمومنان علی(ع) حدیث بلندی در خصوص این آیه شریفه آمده است و در آن از قول خداوند به آیه: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (الصف/۸) اشاره کرده است و فرموده است که دشمنان خداوند همان اهالی شجره ملعونه هستند که برای خاموش شدن نور الهی با دهان هایشان تلاش می کنند و خداوند نور خود را کامل گردانده است.

۲/۱۰- حیات طيبه:

(الف) مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (النحل/ ۹۷)

(ب) الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ. (رعد/ ۲۹)

۳/۱۰- نکاح طيب: وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا (نساء/ ۳)

۴/۱۰- بلده طيبه:

(الف) لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ (سباء/ ۱۵)

(ب) وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (اعراف/ ۵۸)

۵/۱۰- عمل طيب: وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَيْبَ بِالطَّيِّبِ (نساء/ ۲)

۶/۱۰- مساكن طيبه

(الف) يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (صف/ ۱۲)

(ب) وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (توبه/ ۷۲)

۷/۱۰- ذريه ي طيبه: «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.» (آل عمران/ ۳۸)

۸/۱۰- فعل طيب: «لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ.» (انفال/ ۳۷)

۹/۱۰- غنيمت طيب: «فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ.» (همان/ ۶۹)

۱۰/۱۰- رزق و طعام طيب: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (نحل/ ۱۱۴)

۱۱/۱۰- انفاق طیب: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِأَخِيذِهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (توبه/۲۶۷)

۱۲/۱۰- ریح طیبه: «هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (يونس/۲۲)

۱۳/۱۰- طيبات در دنيا: «وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَّذِينَ أُذْهِبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ» (احقاف/۲۰)

۱۴/۱۰- تحيه طیبه: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (نور/۶۱)

۱۵/۱۰- رزق طیب:

الف) يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره/۱۶۸)

ب) وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (مائده/۸۸)

ج) وَرَزَقَكُمُ مِنَ الطَّيِّبَاتِ (انفال/۲۶) (الطیبُ فی الرزق هو الحلیة و المطلوبیة و اللغه).

د) قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفِّصُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (اعراف/۳۲)

هـ) فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (نحل/۱۱۴)

۱۶/۱۰- خاک طیب:

الف) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا» (نساء/۴۳)

(ب) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. «(مائده/۶)

۱۷/۱۰ - کلمه طیب:

(الف) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ (ابراهيم/ ۲۴)

(ب) إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ (فاطر/ ۱۰)

۱۸/۱۰ - زنان و مردان طیب: مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ (نساء/ ۳) و نیز «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

طَيِّبْتُمْ» (زمر/ ۷۳)

۱۹/۱۰ - انسان طیب: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»

(نحل/ ۳۲)

### ۱۱- شجره طیبه و ذریه طیبه

در اصول کافی آمده است از امام جعفر صادق (ع) سؤال شد در مورد قول خداوند در آیه ۲۴ سوره مبارکه ابراهیم (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ) و ایشان فرمودند: اصل آن شجره رسول خدا (ص) و فرع آن امیرالمومنین (ع) و ائمه معصومین (ع) شاخه های آن و علم ائمه ثمره آن و مومنین از شیعیان ما برگ های آن شجره طیبه هستند. سوال شد آیا در آن فضیلتی برای مؤمنین است؟ فرمود به خدا قسم هست، و فرمود به خدا قسم هر مومن که متولد می شود یک برگ بر برگ های آن اضافه می شود و هر مؤمنی که از دنیا می رود یک برگ از آن می ریزد.

۱/۱۱ - تبیین مفهوم شجره طیبه: شجره طیبه به مفهومی که در قرآن آمده و

خداوند متعال کلمه طیبه را به شجره طیبه مثل زده است. در فرمایش امام صادق (ع) تبیین شده و توضیح داده شده است و اینکه در کتاب البرهان فی تفسیر القرآن جلد ۳ صفحه ۲۹۷ آمده است که موسی بن الحسن الصفار از حسن بن موسی الخشاب از عمر بن عثمان از محمد عذافر از ابی حمزه ثمالی از امام صادق (ع) روایت کرده اند که

در خصوص شجره طیبه در آیه ۲۴ سوره ابراهیم فرمودند: رسول خدا (ص) فرمودند من اصل آن شجره طیبه هستم و علی (ع) فرع آن است و ائمه معصومین شاخه های آن درخت (مبارک) و شیعیان ما برگ های آن هستند. یا اباحمزه به خدا سوگند هر فرزندی که از شیعیان ما متولد می شود برگی بر برگهای آن اضافه می شود و زمانی که فوت می کند برگی از آن می ریزد. (بحرانی، ۱۳۱۶: به نقل از برهان فی تفسیر القرآن، ۲۹۷/۳)

۲/۱۱- تبیین مفهوم ذریه طیبه: در تبیین مفهوم ذریه طیبه که در آیه ۳۸ سوره مبارکه آل عمران از قول حضرت زکریا (ع) در درخواست اولاد از خداوند متعال آمده است می توان به این نکته اشاره نمود که پس از رویت کرامات اضافه شده بر مریم (س) که زکریا (ع) آنها را مشاهده کرد؛ از خداوند متعال درخواست نمود به او فرزند صالحی همچون مریم عطاء فرماید. تقاضای حضرت زکریا همان گونه که در آیه شریفه آمده است یک «ذریه طیبه» می باشد، یعنی یک اولاد و یک فرزند پاک و طیب و طاهر از جانب خداوند- که شنونده دعا و اجابت کننده حاجات می باشد- به او عطا شود. در واقع در این آیه حضرت زکریا به معنای واقعی کلمه از خداوند یک فرزند صالح و پاک برای ادامه نسل خود خواسته است.

۳/۱۱- ارتباط معنایی و مفهومی کلمه طیبه و شجره طیبه در قرآن کریم: در آیات ۲۴ تا ۲۶ سوره مبارکه ابراهیم خداوند با بیان یک مثل به چند نکته در باب کلمه طیبه و شجره طیبه پرداخته است.

۱- اطلاق طیب به کلمه؛ ۲- اطلاق طیب به اعتقادات و باورهای حق؛ ۳- پایه و اساس مستحکم طیب؛ ۴- فروعات و آثار فراوان و پر ثمر طیب. در این آیه باور و اعتقاد به توحید (کلمه طیب) به درخت طیبه مثل زده شده که اصل ثابت داشته و فروعات فراوان و پرثمر آن به سوی آسمان گسترده است. بر این اساس طیب در این آیه به جریان حقیقت و اعتقادات و باورهای توحیدی اطلاق شده که پایه و اساس مستحکمی داشته و از ثمرات فراوان برخوردار است. (همان)

مراد از «کلمه طیبه» که به «درخت طیب» تشبیه شده و صفاتی چنین و چنان دارد عبارت است از عقاید حقی که ریشه اش در اعماق قلب و در نهاد بشر جای دارد

زیرا خدای تعالی در خلال همین آیات ، به عنوان نتیجه گیری از مثل ها می فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (ابراهیم/۲۷) مقصود از «قول ثابت» هم بیان کلمه است، البته نه هر کلمه ای که لفظ باشد، بلکه کلمه از این جهت که بر اساس اعتقاد و عزم راسخ استوار بوده و صاحبش پای آن می ایستد، و عملاً از آن منحرف نمی گردد. (طباطبایی، بی تا: ج ۱۲ ص ۷۲)

طبق فرمایش خداوند مراد از آن قول همانا کلمه توحید ، و شهادت از روی حقیقت به یکتایی معبود است، پس قول به وحدانیت خدا و استقامت به آن ، قول حقی است که دارای اصلی ثابت است، و به همین جهت از هر تغییر و زوال و بطلانی محفوظ می ماند و آن اصل، خدا عزّ اسمه و یا زمینه حقایق است، و آن اصل دارای شاخه هایی است که بدون هیچ مانع و عایقی از آن ریشه جوانه می زند و آن شاخه ها عبارت است از معارف حق فرعی و اخلاق پسندیده و اعمال صالح که مومن، حیات طیّبه خود را به وسیله آنها تأمین نموده و عالم بشریت و انسانیت به وسیله آن رونق و عمارت واقعی خود را می یابد(ر.ک. طباطبایی)

از نظر مؤلف تفسیر کاشف مراد از کلمه طیّبه همانا کلمه توحید می باشد (لاله الا الله). (سالک تقوی، ۱۳۹۴: به نقل از تفسیر الکاشف، جلد ۴/ص ۴۴۳)

مفسر قمی با ذکر حدیثی از امام صادق (ع) در خصوص شجره طیّبه می فرماید: اصل آن شجره و درخت رسول خدا (ص) و فرع آن علی بن ابیطالب (ع) و شاخه آن درخت فاطمه(س) و میوه های آن ائمه معصومین از فرزندان علی و فاطمه علیهما سلام می باشند و شیعیان آنها برگ های آن درخت هستند. (تفسیر قمی، ۳۶۹/۱ [۲۴])

در تفسیر فرات الکوفی هم همان حدیث مذکور در تفسیر قمی بیان شده است که رسول خدا (ص) اصل آن درخت و امیرالمومنین علی(ع) فرع آن و ائمه معصومین (علیهم السلام) شاخه های آن درخت پاک می باشند و علم ائمه میوه شجره طیّبه و شیعیان برگ های آن می باشند. (تفسیر فرات الکوفی، ۲۲۰/۶)

صاحب ارشاد الأذهان در توضیح آیه شریفه ۲۴ سوره ابراهیم در توصیف شجره طیّبه مینویسد: «یعنی ای انسان آیا نمی بینید خداوند چگونه مثل می زند که کلمه طیّبه

همان دعوت به توحید یا دعوت کلی به سوی حق است. شجره طیبه یعنی درختی که کاملاً پاک و پاکیزه است که ریشه اش در زمین ثابت و استوار است و شاخ و برگ های آن در آسمان گسترانیده شده است. (تفسیر ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن، ۱/۲۶۳)

در تفسیر منیر در مقام بیان مفهوم کلمه طیبه و شجره طیبه این گونه می فرماید که: آیا می دانی خداوند چگونه مثل در مکان مناسب آن زده است و آن تشبیه کلمه طیبه است که همانا آن کلمه توحید و اسلام و دعوت قرآن به شجره طیبه و آن درختی است که به چهار ویژگی شناخته می شود. (تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، ۱۳/۲۴۳)

## ۱۲- ترکیبات متقابل با شجره ی طیبه

۱/۱۲- شجره ملعونه: وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّقُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (اسراء/۶۰) خداوند در این آیه شجره ملعونه را در قرآن مایه فتنه و امتحان مردم قرار داده است.

با توجه به اینکه شجره به عنوان اصل و ریشه و دودمان عنوان شده است این نکته روشن خواهد شد که منظور از شجره ملعونه یکی از همان اقوام ملعونه در کلام خداوند است که در نشو و نما و برخورداری از شاخه، از همان صفت درخت پیروی می کند و همچون درخت بقایی یافته، میوه ای می دهد، و آن در حقیقت همان فتنه ای است که امت اسلام به وسیله آن آزمایش می شود. بر اساس روایت اهل سنت شجره ملعونه بر اساس رویای پیامبر(ص) آل بنی امیه است.

۲/۱۲- شجره خبیثه: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (ابراهیم/۲۶)». اما مثل کلمه خبیثه و ناپاک همانند درخت خبیث و ناپاک و بی ریشه است که از روی زمین کنده شده و در برابر طوفان ها هر روز به گوشه هایی پرتاب می شود و قرار و ثباتی برای آن نیست.

«کلمه خبیثه» همان کلمه کفر و شرک، همان گفتار زشت و شوم، همان برنامه های گمراه کننده و غلط، همان انسان های ناپاک و آلوده و خلاصه هر چیز خبیث و ناپاک است.

### ۱۳- نتیجه گیری:

واژه ی طیب و خبیث از تعبیر وحیانی است که نوعاً در نگاه عرفی با واژه حلال و حرام مترادف شناخته شده اند. و یا حتی به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند که این موضوع حکایت از ارتباط فراوان این مفاهیم با یکدیگر دارد. از سوی دیگر در عمده آیات قرآن وقتی از طیبیات سخن به میان می آید، خداوند متعال به نعمتهای فراوانی که به انسان ارزانی داشته اشاره می نماید و بیان می کند که از چیزهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم (بقره/۱۷۲) بخورید و از آنچه که از حلال کسب کرده اید انفاق کنید و خدا را سپاسگزارید (بقره/۲۶۷)

قصد مال ناپاک (بد حرام) نکنید و بدانید که خداوند بی نیاز و ستوده است، همچنین با توجه به آیات الهی می توان به دو موضوع اشاره نمود. در موضوع اول: به سه خصوصیت متعلقات طیب اشاره نمود که عبارتند از:

۱- طیب بر ذریه هم اطلاق می شود.

۲- طیب هبه ای از جانب خداوند است.

۳- به دست آوردن طیب دعا کردنی و خواستنی است.

این مستندات حکایت دعای حضرت زکریا (ع) است که پس از مشاهده طعام های آسمانی نزد حضرت مریم (س) به خداوند رو کرد و هبه فرزندی طیب را از خداوند طلب نمودند. «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران ۳۸). (آنجا در آن وقت بود که زکریا پرورگار خود را خواند و گفت: پروردگارا از جانب خود به من فرزندی پاکیزه عطا کن که تو شنوای دعایی.

طیب هر چیز، آن فردی است که برای چیز دیگر سازگار و در برآمدن حاجت آن دخیل و موثر باشد. و یکی از مشتقات کلمه «طیب» بر وزن سيب است. به معنای

عطر پاکیزه، پس ذریه طیبه آن فرزند صالحی است که مثلاً صفات و افعالش با آرزویی که پدرش از یک فرزند داشت مطابق باشد. در موضوع دوم چهار خصوصیت طیب مورد توجه است: اطلاق طیب به کلمه (جریان حقیقت)؛ اطلاق طیب به اعتقادات و باورهای حق (اعتقاد به توحید)؛ پایه و اساس استحکام طیب؛ فروعات و آثار فراوان و پرثمر طیب. در این آیه باور و اعتقاد به توحید (کلمه طیب) به درخت طیبی مثل زده شده که اصلی ثابت داشته و فروعات فراوان و پرثمر آن به سوی آسمان گسترده است. بر این اساس طیب در این آیه به جریان حقیقت و اعتقادات و باورهای توحیدی اطلاق شده که پایه و اساس محکمی داشته و از ثمرات فراوانی برخوردار است. بنابراین، مراد از «کلمه طیب» که به «درخت پاک» تشبیه شده است، عبارت است از عقاید حقی که ریشه اش در ژرفا و اعماق قلب انسان ها و در نهاد بشر جای دارد.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- آلوسی، محمود (۱۴۱۰ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی ، بیروت دارالکتب العلمیه
- ابن بابویه ، محمد بن علی (۳۰۵ق) ، الخصال، ج ۱، نشر نسیم کوثر، (مترجم یعقوب جعفری)، قم - ایران ، ص ۳۱
- اخوت ، احمد رضا (۱۳۹۳) . معنانشناسی طیب و خبیث ، هانی چیت چیان ، نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع) ، چاپ اول
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق : قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه ، ج ۳، تهران : بنیاد بعثت ، ص ۲۹۷
- پیام امام امیرالمومنین (۱۳۹۱) ، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه ، جلد اول، ناصر مکارم شیرازی ، نشر دارالکتب الاسلامیه ، تهران : چاپ هفتم
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۳۹۳ق)، تاج اللغه و صحاح العربیه، (محقق احمد عبدالغفور عطار)، نشر دارالعلم الملايين للملايين ، بیروت، لبنان
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۱۱۲ق)، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، نشر مطبعه العلمیه، نشر ۱۳۸۳ ق، ص ۲۱۰
- دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸) ، لغت نامه ، تهران، انتشارات دانشگاه تهران : ۱۳۷۷
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) ، مفردات الفاظ القرآن، بیروت : دارالفکر
- زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱). تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج ، بیروت ، نشر دارالفکر المعاصر
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۴۱۴ق) ، تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال ، ج ۴، قم : مکتب الاعلامه الاسلامی ، ص ۴۰۳
- سالک تقوی ، زینب، پایان نامه ارشد ، حیات طیبه در نهج البلاغه ، دانشگاه ادیان و مذاهب ، دانشگاه شیعه شناسی ، ۱۳۹۴

- سبزواری، محمد، (۱۴۱۰). تفسیر الارشاد الاذهان الاتفاسیر القرآن، نشر دارالتعارف للمطبوعات تهران
- سید رضی، محمد بن الطاهر (۳۵۹ ق)، نهج البلاغه، مترجم: حسین انصاریان، قم، نشر آیین دانش (۱۳۸۸)
- صعیدی، عبدالفتاح، حسین یوسف، موسی، (الافصاح فی فقه الغه، ج ۱، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۰۷ هـ)
- طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: چاپ فرهنگ
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش) مجمع البیان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو
- طبرسی، احمد بن علی، (قرن ۶) الاحتجاج، ج ۲، مصحح محمد باقر موسوی خراسانی، نشر المرتضی، مشهد مقدس
- عمید، حسن، (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی عمید، نشر امیر کبیر
- فراهیدی، البصری، ابو عبد الرحمن الخلیل بن احمد، (۱۷۰ ق)، کتاب العین، ج ۷، ص ۴۶۱، نشر دار مکتبه الهلال، ۱۴۰۴ ق
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم
- قمی، علی بن ابراهیم، (۳۰۷ ق). تفسیر قمی، ص ۳۶۵، ج ۱، نشر دارالکتب، ۱۳۶۳ ش
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، محقق مهدی آیت الهی، ناشر جهان آرا
- کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۳۸۷). تفسیر الفرات کوفی، مصحح محمد کاظم، نشر موسسه طبع و نشر، تهران
- مصطفوی، سید حسن (۱۳۶۸ ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۸۱

- معین، محمد (۱۲۹۷)، فرهنگ فارسی معین، تهران: موسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ق). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۲، نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع)، نشر قم، ایران، ص ۴۳۷
- مدنی، علیخان بن احمد (۱۰۵۲ق)، الطراز الاول و الكنز لما علیه من لغه العرب الهول، ج ۲، ص ۲۵۵، نشر موسسه آل بیت الاحیاء التراث نشر مشهد مقدس، ایران ۱۴۳۱
- موسوی، سیدمحمدکاظم، دائره المعارف بزرگ اسلامی، نشر مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ چاپ اول
- وسکره، احمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ گنج واژه، ناشر احمد وکسره